

تأثیر مدل اقتصادی «چارچوب میان مدت هزینه» بانک جهانی در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی با نگاهی به تجربیات اجرای آن در کره جنوبی و ویتنام و اتخاذ رهیافتی برای ایران

ابراهیم مولائی جم*

توکل حبیب زاده**

مجید فشاری***

چکیده

تحقق حق‌های اقتصادی اجتماعی ملازمه با هدایت صحیح منابع مالی در اختیار دولت‌ها دارد. مدل اقتصادی «چارچوب میان مدت هزینه» بانک جهانی مبتنی بر نظریه حکمرانی مطلوب و در راستای اهداف حقوق بشری ارائه و در بسیاری از کشورهای جهان جهت کاهش فقر و تقویت کامیابی مشترک اجرا شده است.

هدف از تحقیق حاضر این است که؛ اولاً مشخص نماید این مدل اقتصادی از حیث لزوم تبعیت کشورها از آن با کدامیک از منابع حقوق بین‌الملل تطابق دارد. ثانیاً بر مبنای آمار رسمی بانک جهانی، با بررسی شاخص توسعه انسانی، بررسی نرخ تورم و بررسی وضعیت انضباط مالی دولت، نتایج حاصل از اجرای این مدل اقتصادی را در دو کشور آسیایی توسعه یافته و در حال توسعه به روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین نماید.

نتایج تحقیق حاکی از این است که مدل اقتصادی بانک جهانی «چارچوب میان مدت هزینه» به لحاظ مبنای حقوقی در چارچوب اعلامیه حق بر توسعه سازمان ملل متحد قابل ارزیابی بوده و مبتنی بر نظم هنجاری حقوق بشر است. نتایج به دست آمده نشان داد که اجرای مدل «چارچوب میان مدت هزینه» با ارتقاء شاخص توسعه انسانی و انضباط مالی و ایجاد ثبات در اقتصاد کلان می‌تواند به تحقق موثر و همه‌جانبه حق‌های

* دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی emolaei@rocketmail.com

** دانشیار دانشگاه امام صادق مدیر گروه حقوق عمومی (نویسنده مسئول) thabibzadeh@gmail.com

*** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی majid.feshari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۸

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال هفتم، شماره بیست‌وهفتم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۴۴-۲۱۳

اقتصادی و اجتماعی منجر گردد. همچنین این مدل مستند به سرفصل اقتصاد بیانیه گام دوم انقلاب که دلالت بر تقویت اقتصاد مستقل کشور از طریق اتخاذ مناسبات مدیریتی خردمندان و پرهیز از بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن دارد، می‌تواند به عنوان یک رهیافت برای ایران مطرح باشد.

واژه‌های کلیدی: حق‌های اقتصادی و اجتماعی، چارچوب میان مدت هزینه، اقتصاد

بخش عمومی، بانک جهانی

طبقه‌بندی JEL: K00, K19

مقدمه

سیاست های اقتصادی سالم و شفاف، سرمایه گذاری های عمومی مناسب و توسعه همه جانبه به ویژه در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت، سلامت، زیرساخت ها، توسعه بخش کشاورزی، ایجاد فرصت های بیشتر برای کار آبرومند، حمایت از حقوق بنیادین بشری^۱ و به طور کلی تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی در گرو مدیریت صحیح منابع عمومی در اختیار دولت ها است. تأثیر این مهم در تحولات اخیر حقوق بشر آغازگر عصر جدیدی در رویکرد حقوق بین الملل شده است که به تکالیف دولت ها در تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی می پردازد به طوری که «حق دادخواهی»^۲ از جهت تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی در مراجع ملی و بین المللی به رسمیت شناخته شده است. این رسالت حقوق بشری، ریشه در اهداف اقتصادی مندرج در منشور سازمان ملل متحد دائر بر تعهد به همکاری بین المللی تابعین حقوق بین الملل، به منظور حصول توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. بر مبنای همین تکلیف، بانک جهانی به عنوان یکی از تابعین حقوق بین الملل و یک سازمان فعال بین المللی در عرصه سیاست گذاری اقتصادی در راستای اهداف بانک و تعهدات بین المللی خود به ویژه اعلامیه جهانی سازمان ملل متحد تحت عنوان «حق بر توسعه»^۳ و نظریه حکمرانی مطلوب، اصلاح مدیریت مالی بخش عمومی را به منظور تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی، پایان دادن به فقر، تقویت کامیابی مشترک و مالاً توسعه

1. Fundamental human rights

2. Litigation Right

3. Declaration on the Right to Development

کشورها دنبال می‌نماید. براین مبناست که بانک جهانی در دهه ۱۹۹۰ مدل اقتصادی «چارچوب میان مدت هزینه» (متف)^(۱) را ارائه نموده است.

حق‌های اقتصادی و اجتماعی که دولت‌ها به موجب اسناد حقوق بشری متعهد به ایفاء آنها هستند، واجد پنج خصیصه هستند؛ این حق‌ها در زمره تعهدات ایجابی^۱، هزینه بر^۲، وابسته به امکانات^۳، تدریجی^۴ و برنامه‌ای^۵ می‌باشند. براین اساس تحقق آن‌ها مستلزم برنامه ریزی و تخصیص منابع مالی است. لذا اجرای این حق‌ها از طریق مکانیزم برنامه مالی دولت عملیاتی می‌گردد. از این‌رو بانک جهانی متف را ارائه نموده است که هدف از اجرای آن در اقتصاد بخش عمومی، سازگار نمودن عملکرد برنامه مالی دولت^۶ با اهدافی نظیر رشد، ثبات اقتصادی، شفافیت، انضباط مالی و رفاه اجتماعی است. به عبارتی موجز در یک نظم افقی؛ توسعه، حکمرانی مطلوب^۷، تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی به هم وابسته اند و این گزاره‌ها در «برنامه مالی دولت» که متضمن برنامه ریزی و تخصیص منابع مالی است، با هم تلاقی دارند.

نظر به اینکه تاکنون در مورد تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اجرای مدل اقتصادی متف مطالعه‌ای انجام نشده است، تحقیق حاضر به این سوال می‌پردازد که این مدل اقتصادی از نظر حقوقی با کدامیک از منابع حقوق بین‌الملل مرتبط است؟ ثانیاً با بررسی نتایج حاصل از اجرای این مدل در دو کشور آسیایی توسعه یافته و در حال توسعه شامل کره جنوبی و ویتنام تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی به روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین گردد. در پاسخ به این سوال‌ها؛ ضمن بررسی مناسبات مدل اقتصادی با منابع حقوق بین‌الملل از منظر الزام کشورها به رعایت آن، با تأکید بر تجربیات، به اجرای مدل مزبور در

-
1. affirmative obligations
 2. Costly obligations
 3. Dependent on facilities obligations
 4. Gradual obligations
 5. program obligations
 6. budget
 7. Good governance

کشورهای مذکور و چگونگی عملکرد آن در اقتصاد بخش عمومی پرداخته می‌شود. از آنجاکه هدف اصلی این پژوهش تبیین و واکاوی مدل اقتصادی «چارچوب میان مدت هزینه» است، روش تحقیق مورد استفاده مبتنی بر روش‌های استنباطی و بهره‌گیری از الگوی اقتصادسنجی نمی‌باشد. این پژوهش به دنبال بررسی نحوه اثرگذاری متغیرهای اقتصادی بر متغیر وابسته نمی‌باشد. لذا روش مورد استفاده بهره‌گیری از تجربیات کشورهای ویتنام و کره جنوبی به عنوان دو کشور دارای نرخ رشد شتابان دو دهه اخیر توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد. بنابراین جنبه نوآوری این مطالعه (نقش متف در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی) در مقایسه با مطالعات پیشین، نبود ادبیات در باره تجربیات کشورها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. مضاف به این‌که اساساً برنامه مالی دولت در ایران بر پایه الگوی افزایشی بوده و حتی به صورت عملیاتی نیز اجرا نشده است و این تحقیق نیز در پی مقایسه آن با این الگوی اقتصادی نیست، بلکه نوآوری این پژوهش در رویکرد مورد استفاده می‌باشد. برای این منظور پس از بررسی مبانی نظری موضوع، به جایگاه مدل اقتصادی متف در نظام منابع حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود. آنگاه، مفهوم، پیشینه، خاستگاه، اهداف و مراحل عملیاتی شدن متف در راستای تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سپس نتایج حاصل از اجرای مدل اقتصادی بر ارتقاء شاخص توسعه انسانی^۱، ثبات اقتصاد کلان از طریق بررسی نرخ تورم و انضباط مالی از طریق بررسی شاخص «نسبت بدهی ناخالص دولت به تولید ناخالص داخلی» در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ (مبتنی بر آخرین آمار رسمی بانک جهانی) در دو کشور آسیایی توسعه یافته و در حال توسعه کره جنوبی و ویتنام تبیین می‌گردد. بخش پایانی مقاله نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاستی اختصاص می‌یابد.

۱. مبانی نظری موضوع

در این بخش مفاهیم حق بر توسعه و ارتباط آن با حکمرانی مطلوب مرور می‌شود.

1. Human Development Index (HDI)

۱-۱. مفهوم حق بر توسعه و ارتباط آن با حکمرانی مطلوب

در این بند مفهوم حق بر توسعه، ارتباط متقابل این حق و حکمرانی مطلوب که جزیی از متغیرهای تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی هستند، ارائه می شود.

۲-۱. مفهوم حق بر توسعه

اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حق بر توسعه (۱۹۸۶) صراحتاً حق بشری توسعه را تأیید نمود. این اعلامیه حق مذکور را این چنین تعریف کرده است: حق توسعه یکی از حقوق جدایی ناپذیر بشری است که از رهگذر آن تمام انسان ها و مردمان استحقاق آن را دارند که در توسعه ای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی های بنیادین تحقق می یابد، مشارکت جسته، سهم گشته و بهره مند گردند. همچنین، حق بر توسعه، به معنی تحقق کامل حق مردمان بر تعیین سرنوشت می باشد، حق جدایی ناپذیری که مطابق مقررات مرتبط میثاقین حقوق بشر، شامل حاکمیت کامل بر تمام ثروت ها و منابع طبیعی آنها می شود (اعلامیه سازمان ملل در مورد حق بر توسعه، ۲۰۱۹)!

حق بر توسعه به عنوان یک حق بشری غیرقابل انتقال معرفی شده است. ارتباط حقوق بشر و توسعه غیرقابل انکار بوده و توسعه فرآیندی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامع است که با هدف بهبود مستمر رفاه کل جامعه و همه افراد براساس مشارکت فعال، آزادانه و هدفمند آنان هم در انجام و هم در توزیع عادلانه مزایای ناشی از آن تحقق می یابد. بدین روی، تمام افراد استحقاق آن را دارند که از توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بهره مند بوده و در آن مشارکت داشته باشند؛ به گونه ای که همه حقوق بشر و آزادی های اساسی بتوانند به طور کامل مورد شناسایی قرار گیرند. بنابراین در یک تعریف جامع توسعه حقوق بشر مستلزم توسعه کامل جوامع بشری در کلیه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. براین اساس همه انواع حقوق بشر یک کل یکپارچه، وابسته به یکدیگر و تقسیم ناپذیر را تشکیل می دهند که متضمن فرآیندی مشارکتی در جهت توسعه و اجرای حقوق بشری است که در آن تمام

حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابل تحقق باشد (ویژه و کتابی رودی، ۱۳۹۶، ۲۳) اعلامیه (۱۹۸۶). این اعلامیه به صورت خاص تصریح می‌کند که تحقق حق بر توسعه، برابری فرصت‌ها را در دسترسی به منابع اساسی، آموزش، خدمات سلامت، تغذیه، اشتغال و توزیع عادلانه‌ی درآمد و همچنین اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مناسب و ریشه‌کنی تمام نابرابری‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌نماید. به عبارت دیگر، حق بر توسعه، شامل عناصر متفاوتی می‌باشد، عناصری از قبیل حق بر غذا، حق بر سلامت، حق بر مسکن و سایر حق‌های اقتصادی و اجتماعی به همراه رشد نرخ معیارهایی اقتصادی چون مصرف سرانه، تولید و اشتغال (قوش^۱، ۲۰۰۵، ۱۷۵).

۱-۳. ارتباط حق بر توسعه با حکمرانی مطلوب

در اواخر دهه ۸۰ میلادی بانک جهانی اعلام نمود که به شرطی به توسعه اقتصادی کشورها کمک می‌کند که آن‌ها در پیاده‌سازی سیاست‌های خود پاسخگویی بیشتری داشته باشند و شفاف‌تر عمل کنند. پروژه‌هایی که در کشورهای دریافت‌کننده‌ی وام تحت عنوان حکمرانی مطلوب انجام می‌شوند، تلاش می‌کنند ارتباط بین دولت و مردم را از طریق غیرمتمرکز نمودن نهادهای دولتی، مدرن کردن دولت و انتظار پاسخگویی بیشتر از آن قوی‌تر کنند. همچنین سعی بر ایجاد ساختارهایی دارند تا مشارکت بین دولت و مردم بیشتر شود. حکمرانی مطلوب و حق بر توسعه دو مفهوم تنگاتنگ هستند که با هم گره خورده اند؛ فقدان حکمرانی مطلوب به شدت توسعه پایدار^۲ را محدود کرده و در بدترین حالت مانع آن خواهد شد. پروژه‌های اعطای وام از سوی کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای درحال توسعه که تحت عنوان حکمرانی مطلوب انجام می‌شوند، به طور مشخص شامل فعالیت‌هایی برای ارتقاء همه حق‌های بشری اعم از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. برای مثال، دولت هلند اعطای وام به گواتمالا را مشروط به چنین شرط‌هایی نموده بود (استوک و

1. Ghosh

2. Sustainable Development

همکاران، ۱۹۹۹، ۲۴۱).

به عبارت دیگر، هدف حکمرانی مطلوب این است که مشکلات مربوط به عدالت و برابری را در کشورهای در حال توسعه بهبود بخشد. مفهومی که هدفش دموکراتیک نمودن، حاکمیت قانون و در نتیجه توسعه می باشد. دستورکار حکمرانی مطلوب برای بخش خصوصی در امر توسعه نقشی اساسی قائل می شود. علاوه بر این، فرآیندی از توسعه را تضمین می کند که به موجب آن سرمایه گذاران بتوانند با خیال راحت سرمایه گذاری کنند و در کنار آن گوشه چشمی به حقوق بشر نیز داشته باشند. اما این ایده به طور مشخص چندان موفق نبوده است. زیرا مشکلات حقوق بشری و فقر جهانی کماکان بیداد می کند. (گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰، ۹).

۲. جایگاه مدل اقتصادی «چارچوب میان مدت هزینه» (متف) در نظام

منابع حقوق بین الملل

نظم حقوقی نوین بین المللی^۳ علاوه بر منابع اصلی مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، بر منابع دیگری استوار است که از جمله آن می توان به اعمال یک جانبه کشورها و سازمان های بین المللی اشاره نمود. بدین ترتیب، از نظام منابع حقوق بین الملل می توان تقسیم بندی جدیدی ارائه نمود:

۲-۱. منابع رسمی (ماده ۳۸ اساسنامه دیوان)

در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری منابع حقوق بین الملل اعلام گردیده است. این ماده متضمن واژه «منابع» نیست اما بخش عمده منابع حقوق بین الملل در این ماده گنجانده شده است. ماده ۳۸ در واقع بیان یک قاعده عرفی بین المللی است. مطابق بند (۱) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان منابع حقوق بین الملل عبارتند از؛ معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی، تصمیمات قضایی بین المللی و دکتترین که راه های فرعی تعیین قواعد حقوقی هستند. ذکر منابع به ترتیب مقرر

1. Stokke et al

2. Report of the Secretary General of the United Nations

3. international legal order

در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان، مبین سلسله مراتب هنجاری بین منابع مذکور نیست. بدین معنا که اعتبار هر قاعده ماخوذ به قاعده بالاتر نبوده و به لحاظ اعتبار و اثر حقوقی یکسان هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶، ۹۳).

۲-۲. منابع اساسی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی

بدیهی است حقوق بین‌الملل منصرف از منابع مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه، از منابع دیگر نیز بهره می‌برد که به واقع روح تمام قواعد و مقررات از آن منابع حکایت دارد. قواعدی که مبتنی بر نظم اخلاقی بوده و با توجه به تجربیات بشری طی قرن بیستم مورد توجه جدی است.

بریرلی^۱ از اندیشمندان حقوق بین‌الملل در بیان مبنای اعتبار قواعد حقوق بین‌الملل معتقد است که ارتباط میان حقوق و اخلاق بیش از تمایز آن هاست و مبنای نهایی یک تعهد حقوقی، محتوای اخلاقی آن است (فرزانه، ۱۳۹۴، ۵۰). شناسایی ارزش‌های بنیادین متضمن حس عدالت عینی^۲ در دهه‌های آخر قرن بیستم منجر به شناسایی منافع مشترک جامعه بین‌المللی و برآوردن نیازهای اساسی انسانی شده است. در این راستا یکی از اندیشمندان حقوق بین‌الملل معتقد است که با توجه به این تحولات شاهد گرایشی اجتناب‌ناپذیر به سوی اجماعی هستیم که تجلی وجدان حقوقی جامعه بین‌المللی است (الیاس^۳، ۱۹۷۲، ۵۱). با عنایت به هدف نهایی حقوق بین‌الملل که تنظیم روابط جوامع بشری و عهده داری برآوردن نیاز آحاد بشر از جمله تحقق عدالت است، در کنار منابع رسمی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل می‌توان قائل به نقش و جایگاه منابع اساسی نیز بود.

۲-۳. ارتباط متف با منابع رسمی و منابع اساسی حقوق بین‌الملل

اگرچه متف به عنوان مصداقی از حقوق نرم ابتناء بر یک سند الزام‌آور به مثابه یک قطعنامه یا معاهده ندارد و در چارچوب اعلامیه حق بر توسعه مصوب ۱۹۸۶ قابل ارزیابی است، لیکن از نظر اهداف واجد نسبت مفهومی هم با منابع رسمی و هم

1. Brierley

2. Objective justice

3. Elias

منابع اساسی حقوق بین‌الملل است. چراکه هدف از اجرای آن در ابعاد کلان، سازگار نمودن عملکرد برنامه مالی دولت با اهدافی نظیر رشد، ثبات اقتصادی، شفافیت، انضباط مالی و رفاه اجتماعی است و اجرای شاخص‌های آن از سوی کشورها می‌تواند موانع و چالش‌های توسعه نظیر عدم رشد اقتصادی و فقر را کنترل نموده و مאלاً منجر به تحقق حق افراد در برخورداری از یک سطح کیفی زندگی گردد. بنابراین از آن جایی که هدف نهایی حقوق بین‌الملل تحقق روابط عادلانه در میان جوامع بشری است، متف که مدلی نوین از «برنامه مالی دولت» است، اولاً در تطابق با اسناد لازم‌الاجراء بین‌المللی نظیر منشور ملل متحد (ماده ۵۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی است و ثانیاً به عنوان دستورالعمل بانک جهانی ناظر بر توسعه اقتصادی مبتنی بر نظم اخلاقی با اهداف حقوق بشری است که می‌تواند ذیل منابع اساسی مبتنی بر ارزش‌های حقوق بین‌الملل قرار بگیرد که طی قرن بیستم ظهور و بروز داشته است.

۳. پیشینه، مفهوم، خاستگاه، اهداف و مراحل عملیاتی مدل اقتصادی

«چارچوب میان مدت هزینه» (متف)

تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی نیازمند تدوین برنامه و البته تخصیص منابع مالی لازم به برنامه‌ها است. این مهم در برنامه مالی دولت تعیین می‌گردد. بنابراین، این که منابع محدود با چه مکانیزمی به خواسته‌های نامحدود اختصاص یابد تا حقوق عامه و به عبارت بهتر، حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان محقق گردد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با تحولات حقوق بشری در راستای ایفای تعهدات دولت‌ها در برابر شهروندان، طی هفت دهه اخیر تلاش‌های زیادی از سوی اقتصاددانان و نظریه‌پردازان به منظور طراحی شیوه‌های بهینه برای تعیین مبانی تصمیم‌گیری و تخصیص منابع محدود بخش عمومی صورت گرفته است. اخیراً مدل اقتصادی بانک جهانی موسوم به متف ارائه گردیده که در این زمره این تلاش‌ها، قابل

ارزیابی است.

متف نقش ویژه‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی دولت‌ها و تحقق اهداف آن برنامه‌ها در جهت توسعه و کاهش فقر که رویکردی مبتنی بر تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر الزامات حقوق بین‌الملل است، ایفاء می‌نماید. از این رو به منظور تبیین مدل متف، در این بخش پیشینه، مفهوم، خاستگاه، اهداف، مراحل عملیاتی شدن و نقش کارکردی آن مورد مطالعه خواهد بود.

۳-۱. برنامه مالی دولت در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی

برنامه مالی دولت شامل پیش بینی و برآورد درآمدها و دیگر منابع اقتصادی، به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و هدف‌ها، پیش بینی و برآورد هزینه‌ی فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای اجرای سیاست‌ها و رسیدن به هدف‌ها، که با آرامش مناسب و منطقی سامان یافته و به تصویب دستگاه قانون‌گذاری می‌رسد، اطلاق می‌گردد. بدین ترتیب برنامه مالی دولت دارای سه بخش عمده است:

۱. درآمدها و دیگر منابع اقتصادی پیش‌بینی و برآورد شده.

۲. مجموعه‌ای از سیاست‌ها و هدف‌ها، همچنین فعالیت‌ها و عملیاتی مشخص برای اجرای سیاست‌ها و رسیدن به هدف‌ها.

۳. هزینه‌ی برآورده شده فعالیت‌های جاری و سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده است (رحمانقلی زاده، ۱۳۹۱، ۱۵).

بنابراین تدوین، تصویب و اجراء برنامه مالی دولت بیانگر چالشی در اولویت، یا ترکیب مناسب بین چهار هدف اصلی است؛ اهداف سیاسی، اهداف پاسخ‌گویی مالی، اهداف مدیریتی، اهداف اقتصادی (شیک^۱، ۱۹۹۸، ۳۶).

تردیدی نیست که توسعه امری یک بعدی نبوده و توسعه اقتصادی که سنگ بنای اولیه برای سایر عناوین توسعه نظیر توسعه اجتماعی و فرهنگی است، مستلزم سازماندهی مناسب اقتصادی می‌باشد. امری که با گزینش درست اهداف، استراتژی‌ها، رسالت‌های برنامه‌ها و طرح‌های مندرج در «برنامه مالی دولت» نهادینه می‌شود.

منطبق با اسناد بین‌المللی، ماهیت حق‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر حق بر غذای کافی، حق بر مسکن، حق بر کار، حق بر تأمین اجتماعی، حق بر آموزش و... دارای پنج مشخصه منحصر به فرد می‌باشد؛ این حق‌ها در زمره تعهدات ایجابی، هزینه بر، وابسته به امکانات، تدریجی و برنامه‌ای می‌باشند. بنابراین لازمه ایفای تعهدات دولت‌ها در زمینه تحقق حق‌های یادشده، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی است که این دو امر از طریق مکانیزم برنامه مالی دولت عملیاتی می‌گردد. به عبارتی دیگر، حلقه ارتباط برنامه مالی دولت با حق‌های اقتصادی و اجتماعی از این ویژگی‌های پنج‌گانه نشأت می‌گیرد.

از این منظر برنامه مالی دولت که مشتمل بر مجموعه‌ای از احکام و اعداد می‌باشد، صرفاً سند دخل و خرج دولت‌ها نیست زیرا چگونگی هدایت منابع مالی و مدیریت اثر بخش و کارآمد منابع عمومی متعلق به عموم جامعه توسط دولت‌ها با تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم دارد و مبین تحقق حکمرانی مطلوب بوده و دور نمای توسعه یک کشور است.

۳-۲. مفهوم متف

متف به منظور تعریف یک سازوکار نهادی برای فرآیند تهیه و تصویب برنامه مالی دولت به شمار می‌رود. ماهیت متف به بیان ساده، طراحی فرآیند تصمیم‌گیری برای بخش مالی دولت است که به موجب آن اهداف کلان، نظیر رشد و ثبات اقتصادی، بهبود انضباط مالی دولت، افزایش انعطاف‌پذیری و افزایش اعتماد به تصمیمات مندرج در برنامه مالی دولت به نحو موثری در فرآیند تصمیم‌گیری انعکاس می‌یابند و میزان درآمد و منابع در دسترس دولت برای یک دوره مشخص - به عنوان مثال دوره قانونی یک دولت - پیش‌بینی می‌شود و به‌طبع در این دوره نیز عملکرد دولت قابل ارزیابی است. در همین چارچوب اهداف بخش‌های مختلف اقتصادی در درون این بخش‌ها تضمین و اولویت‌بندی می‌گردد. همچنین هزینه‌های مختلف تحقق اهداف نیز پیش‌بینی می‌شود و سرانجام اهداف مورد توافق بر اساس اولویت و با توجه به محدودیت منابع در برنامه مالی دولت انعکاس می‌یابد.

به طور خلاصه این مدل اقتصادی، رویکرد نوین مدیریت مالی بخش عمومی است که هدف اصلی آن انضباط مالی در سطح کلان، کارایی تخصیصی^۱ و کارایی فنی^۲ و رفع از هم گسستگی بین برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و برنامه مالی دولت می‌باشد. اهدافی که رویکرد سنتی در تهیه و تنظیم برنامه مالی دولت، در کشورهای مورد استفاده با وجود نوسان و بی‌ثباتی در هزینه‌ها و کسری اعتبار، عدم تحقق منابع، عملکرد ضعیف طرح‌های سرمایه‌ای، بی‌انضباطی مالی و... موفقیت چندانی در تأمین آن‌ها نداشته و بنابراین رشد اقتصادی و تحقق شاخص‌های کلان اقتصادی که نتایج آن افزایش سطح استاندارد زندگی و مالاً تحقق موثر حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان می‌باشد، با ابهام روبرو است.

۳-۳. خاستگاه متف

سازمان‌های بین‌المللی متعددی در سطح جهانی در متنوع‌ترین حوزه فعالیت‌های انسانی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... تأسیس شده و با اخذ شخصیت حقوقی بین‌المللی مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل را توسعه بخشیده‌اند (اسچرمرز^۳، ۱۹۸۳، ۸۲۳). سازمان‌های بین‌المللی در خلال تلاش جدی خود از زمان تشکیل سازمان ملل متحد در پی تحقق آرمان‌های نوع بشر، مصوبات، قطعنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی در دست‌یابی به عدالت داشته‌اند (اسچرمرز، ۲۰۰۱، ۱۲۵). در طول نیم قرن گذشته، اثرات مفید عملکرد سازمان ملل متحد در حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و اتخاذ تدابیری در جهت حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... غیرقابل انکار است (اسچرمرز، ۲۰۰۱، ۱۴۵). در حال حاضر عملکرد سازمان‌های بین‌المللی به طور قطع از رویکرد کلی سازمان ملل متحد جدا نبوده بلکه موجب ارتباط تنگاتنگ با قطعنامه‌های صادره است. از جمله سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه اقتصادی بانک جهانی است که دارای موافقت‌نامه با شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می‌باشد.

-
1. Allocation efficiency
 2. technical efficiency
 3. Schermers

بنابراین وفق مواد (۶۳) و (۵۷) منشور، یکی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد^۱ تلقی می‌گردد (برنو سیمما^۲، ۱۹۹۴، ۸۵۱).

ممکن است در ارتباط بانک جهانی با حق‌های اقتصادی و اجتماعی تردید حاصل شود، زیرا بانک جهانی علی‌رغم آن‌که به لحاظ قراردادی متعهد به اجرای مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد، اما این بانک با حق‌های اقتصادی و اجتماعی و مالاً میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند دارد. بانک به عنوان کارگزار تخصصی سازمان ملل متحد در خصوص تحقق حقوق مندرج در میثاق از نقش حائز اهمیتی برخوردار است. از جمله مواد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تعهداتی برای کارگزاری‌های تخصصی لحاظ شده، قسمت (ب) بند (۲) ماده ۱۶ میثاق است. این ماده اشعار می‌دارد: «دبیرکل سازمان ملل متحد باید نسخه‌ای از گزارش‌های کشورها را به کارگزاری‌های تخصصی بدهد که موضوع گزارش در حیطه صلاحیتی آنان قرار دارد». همچنین ماده ۱۸ مقرر می‌دارد: «شورای اقتصادی، اجتماعی به موجب مسؤولیت‌هایی که طبق منشور در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدان محول شده است، می‌تواند ترتیباتی مقرر دارد تا کارگزاری‌های تخصصی در حدود فعالیت‌های مربوط به خود در زمینه پیشرفت‌های حاصل در جهت رعایت مفاد این میثاق، گزارش‌هایی را به شورا ارائه دهند.» به همین ترتیب در مواد (۱۹)، (۲۰) و (۲۲) نیز در خصوص همکاری کارگزاری‌های تخصصی، تصریح‌هایی وجود دارد. کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی معتقد است که کارگزاری‌های تخصصی مقارن تلاش برای دستیابی به اهداف خود باید مفاد میثاق مذکور را در نظر بگیرند. در تفسیر کلی شماره ۲ این‌گونه مقرر می‌دارد:

«کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل درگیر در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌بایست، به منظور تضمین انطباق کامل اقداماتشان با

1. United Nations Specialized Agency

2. bruno simma

برخورداری افراد از حقوق سیاسی و مدنی حداکثر تلاش را به عمل آورند. این عبارت بدین معناست که کارگزاری‌های تخصصی تا حد امکان می‌بایست پروژه‌ها و دیدگاه‌هایی را مورد حمایت قرار دهند که نه تنها منجر به رشد اقتصادی گردد، بلکه موجب ارتقاء و افزایش همه جانبه برخورداری از حقوق بشر شود» (تفسیر عمومی کمیته، ۲، ۱۹۹۰).

کمیته در تفسیر مذکور، نقش حائز اهمیت کارگزاری‌های تخصصی علی‌الخصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^۱ در اجرای هر چه بهتر مفاد میثاق را مورد تأکید قرار می‌دهد (تفسیر عمومی کمیته، ۲، ۱۹۹۰). همچنین کمیته در تفسیر کلی شماره ۱۹ که در مورد حق بر تأمین اجتماعی ارائه داده، بیان می‌دارد که نهادهای مالی بین‌المللی علی‌الخصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌بایست حق بر تأمین اجتماعی را در سیاست‌های وام‌دهی^۲، موافقت‌نامه‌های اعتباری^۳ و سیاست‌های تعدیل ساختاری^۴ مورد توجه قرار دهند (دنی پیترز، ۱۳۸۸، ۲۷۳). بنابراین با عنایت به متن میثاق و تفاسیر متعدد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که همواره نهادهای مالی بین‌المللی را مورد خطاب قرار داده است، باید اذعان داشت که کارگزاری‌های تخصصی و به ویژه بانک جهانی در جهت دست‌یابی به اهداف میثاق و اجرای تدریجی آن دارای نقش کلیدی هستند. این بانک علاوه بر این که دارای تعهداتی در مورد عدم نقض حق‌های اقتصادی و اجتماعی دارد، بر مبنای پیوند حقوقی با منشور ملل متحد می‌بایست این حق‌ها را محترم شمارد. بنابراین بانک جهانی با حق‌های اقتصادی و اجتماعی ارتباط تنگاتنگ داشته و در زمینه تقویب کامیابی مشترک در جهت توسعه کشورها، از طریق ترکیب تخصص فنی، سیاست‌های مدیریت ریسک، نظارت عمومی فعال بوده است. نمونه بارز آن درحوزه مدیریت منابع عمومی،

1. World Bank and IMF

2. Lending policies

3. Credit Agreements

4. Structural Adjustment Policies

5. Danny Peters

مدل اقتصادی متف می باشد که مبتنی بر نظریه حکمرانی مطلوب به عنوان یک دستورالعمل توسعه به کشورها عرضه شده است و به موجب آن تحقق موثر مفاهیمی همچون پاسخگویی، شفافیت، عدالت اجتماعی و... را دنبال می نماید.

۳-۴. پیشینه متف

اگرچه متف از اوایل دهه ی ۸۰ میلادی ارائه گردید، اما اقبال کشورها به آن از اواخر دهه ۹۰ میلادی آغاز شد. کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^(۱) برای اولین بار «چارچوب میان مدت هزینه» را پذیرفتند. بخش عمده ای از اصلاحات مربوط به این مدل اقتصادی در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا^(۲) در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت. کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ متف را تصویب کردند و کشورهای اروپای شرقی و جمهوری های جدا شده از شوروی سابق در سال ۲۰۰۰ به این روند پیوستند. با این حال، کشورهای آسیایی یک مدل تصویب واضح را نشان نمی دهند. در بیش از بیست سال گذشته، بیش از ۱۳۰ کشور، متف را به عنوان ابزار بهبود عملکرد مالی در نظر گرفته اند (گریگولی^(۳)، ۲۰۱۱، ۵۶). به گزارش بانک جهانی امروزه در سراسر جهان می توان به راحتی پیاده سازی این برنامه را ملاحظه نمود. این استقبال ناشی از دو دلیل بود. دلیل اول آن که کشورهای با درآمد پایین و متوسط عمدتاً این چارچوب را برگزیدند تا اولاً، به صورت متعهدانه در بازه ای چندساله منابع را به سیاست هایی اختصاص دهند که در اسناد راهبردی مربوط به کاهش فقر^(۴) درج شده اند و دوماً، آن سیاست ها را به توصیه های ضابطه مند مربوط به اصلاحات بودجه ای اضافه کنند. بانک جهانی در بیش از نیمی از کشورهای فوق در جهت اصلاح متف تلاش نموده است. کشورهای با درآمد بالا از آن جهت این چارچوب را برگزیدند که اهداف بودجه ای خود را پشتیبانی نموده، اولویت بندی هزینه ای خود را ارتقاء داده و عملکرد دولتی بهبود یافته را ارتقاء دهند. (بانک جهانی، ۲۰۱۳، ۹).

1. Sub Saharan Africa

2. Grigoli

3. Poverty Reduction Strategy Papers (PRSPs)

۳-۵. اهداف متف

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد؛ متف رویکرد نوین مدیریت مالی بخش عمومی است. بنابراین به طور کلی می‌توان اهداف متف را در سطح کاربردی شامل موارد زیر دانست:

۱. بهبود توازن اقتصاد کلان از طریق گسترش یک چارچوب واقعی و سازگار برای منابع.
۲. بهبود تخصیص منابع به اولویت‌های راهبردی بین و درون بخش‌ها.
۳. افزایش التزام به اجرای سیاست‌ها و تأمین مالی آن‌ها به گونه‌ای که برنامه‌ها تداوم یافته و پایداری آن‌ها تضمین شود.
۴. ایجاد محدودیت اعتباری سخت برای دستگاه‌های اجرایی از یک طرف و اعطای آزادی عمل بیش‌تر در داخل این محدودیت به منظور افزایش انگیزه‌ها برای استفاده کارا و اثربخش منابع (بانک جهانی، ۱۹۹۸، ۱۲).

۳-۶. مراحل عملیاتی شدن متف

تهیه و اجرای متف از طریق یک فرایند برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه از بالا به پایین و از پایین به بالا صورت می‌گیرد که شامل هفت مرحله اصلی است که هر یک از مراحل، خوراک مرحله بعدی را تأمین می‌کند.

۳-۶-۱. چارچوب اقتصاد کلان

فعالیت کلیدی این مرحله تحلیل و مدل‌سازی کلان است که مرحله‌ای حیاتی برای دست‌یابی به انضباط مالی کلان محسوب می‌شود. این مرحله اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را با توجه به محدودیت‌ها و شرایط اقتصاد کلان فراهم می‌آورد. ناسازگاری بین برنامه‌ریزی و اختصاص منابع مالی وقتی رخ می‌دهد که تصمیمات، با توجه به محدودیت منابع کل یا هزینه‌های پیش‌رو اتخاذ نمی‌گردد. در این رابطه پیش‌بینی یک مدل می‌تواند استفاده‌های گوناگون از منابع را به تصویر کشیده و انتخاب صحیح را مشخص کند و فرضیات نهفته درباره اولویت‌ها را آشکار سازد. (بانک جهانی، ۲۰۱۳، ۵۷).

۳-۶-۲. متف بخشی

متف بخشی می‌تواند به موازات مرحله اول اجرا گردد. فرایند بررسی در این مرحله، بخشی است که بموجب آن، در مورد اهداف و فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و بخش‌ها توافق به عمل آمده و سپس هزینه‌های آن‌ها تعیین می‌شود. فرایند متف بخشی شامل سه گام است: ۱. توافق بر اهداف، فعالیت و ستاده‌ها ۲. مرور و توسعه برنامه‌ها و زیربرنامه‌های مورد توافق ۳. تعیین هزینه برنامه‌های مورد توافق. بعد از آن که وزارتخانه‌ها اهداف، فعالیت‌ها و ستاده‌هایشان را مورد بررسی قرار دادند و هزینه برنامه‌ها و زیربرنامه‌هایشان تعیین شد باید اولویت‌بندی شوند تا هزینه‌های برنامه‌ها با منابع قابل دسترس تطبیق یابند. (بانک جهانی، ۲۰۱۳، ۶۰-۶۲).

۳-۶-۳. توافق بر اهداف و اولویت برنامه‌ها

در این مرحله یک سری جلسات بین وزارت مالیه و وزارتخانه‌های بخشی صورت می‌گیرد تا خروجی‌های مرحله دوم (متف بخشی) بازنگری شود.

۳-۶-۴. تعیین چارچوب هزینه‌ها به صورت تفصیلی و تعیین سقف‌های هزینه وزارتخانه و بخش‌ها

با بهره‌گیری از خروجی مرحله اول (چارچوب اقتصاد کلان)، مرحله دوم و سوم (متف بخشی)، در این مرحله وزارت مالیه، چارچوب هزینه‌های راهبردی را تهیه می‌کند. این چارچوب، تحلیل هزینه - فایده تصمیمات مشخص شده، تأمین مالی بین و درون بخش‌ها را امکان‌پذیر ساخته و پایه‌ای برای تعیین سقف هزینه‌های بخشی برای سال‌های پیش‌رو است. این چارچوب می‌بایست نه تنها یک چارچوب زمانی میان مدت (سه تا پنج سال) را پوشش داده، بلکه موارد آتی را نیز شامل شود: ۱- اهداف عمده سیاستی و نقش دولت در اقتصاد ۲- ضرورت انضباط در مدیریت اقتصاد کلان ۳- اهدافی برای ارقام عمده منابع و هزینه‌های عمومی ۴- فرایندهایی برای تعیین و بازنگری چارچوب هزینه‌ها ۵- مسئولیت‌ها و وظایف دستگاه‌های کلیدی (بانک جهانی، ۲۰۱۳، ۶۳-۶۷).

۳-۶-۵. تصویب سقف‌های بودجه توسط کابینه

تصویب سقف‌های بودجه توسط کابینه در فرایند متف بسیار حائز اهمیت است. در این مرحله، بدنه اصلی تصمیم‌گیری در دولت، منابع بخشی میان مدت را بر مبنای اولویت‌های بین بخشی و امکان پرداخت، تخصیص می‌دهند. این کار با تعریف پوشش منابع بخشی و سقف‌های اعتبار برای سه یا پنج سال آینده صورت می‌گیرد. پوشش منابع بخشی از بالا به پایین با یک افق میان مدت، مبنایی برای پیش‌بینی هستند. آن چنان که به وسیله آن می‌توان تصمیمات عملیاتی کارا و راهبردی مناسب بخشی را اتخاذ و اجرا کرد. محدودیت و انضباط در تعریف پوشش منابع بخشی، پیش‌بینی پذیری جریان‌های منابع بخشی را افزایش داده و در نتیجه کارایی عملیاتی را افزایش می‌دهد. پوشش‌های منابع بخشی می‌توانند از سقف کلان ثابت برای هزینه‌های دولت در طی یک دوره میان مدت مشتق شده و مشتمل بر تقسیم‌بندی بین هزینه‌های اجباری و هزینه‌های اختیاری و هزینه‌های پیش‌بینی نشده به صورت بخش شکسته شود.

۳-۶-۶. تهیه تخمین‌های چند ساله توسط وزارتخانه‌ها در داخل سقف‌های مصوب کابینه

در این مرحله، وزارتخانه‌ها تخمین‌های بودجه‌ای را مورد بازنگری قرار می‌دهند تا آن‌ها را با سقف‌های مصوب تنظیم کنند.

۳-۶-۷. بازنگری تخمین‌ها در خزانه‌داری و ارائه به کابینه و مجلس

برآوردهای بودجه وزارتخانه‌ها که مورد بازنگری قرار گرفته، دوباره توسط وزارت مالیه مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد و برای تصویب به کابینه و پارلمان ارائه می‌شوند. (بانک جهانی، ۲۰۱۳، ۶۸-۷۳)

۴. تجربیات کشورها در اجرای متف

همان‌گونه که تشریح شد، متف به دنبال مدیریت بهینه منابع عمومی -به عنوان راه کار اساسی بهبود اقتصاد کلان- به منظور تمهید ایفای تعهدات دولت‌ها در زمینه

حق های اقتصادی و اجتماعی است. تردیدی نیست اثرگذاری این مدل اقتصادی در زمینه تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی وابسته به میزان پابندی دولت ها به اجرای آن است. بنابراین به عنوان نمونه تجربیات اجرای این مدل اقتصادی در کشورهای منتخب آسیایی شامل کره جنوبی ویتنام مورد بررسی قرار می گیرد. دلیل انتخاب این کشورها بررسی اجرای متف در این کشورها می باشد.

۴-۱. اجرای متف در کره جنوبی

مسائل سیاسی ناگهانی در کره جنوبی به طور مثال افزایش بدهی های دولتی، جمعیت سالمندان و افزایش هزینه های رفاهی اجتماعی، نیاز به دیدگاه های بلند مدت داشتند. لذا روند سنتی تهیه و تدوین برنامه مالی دولت به راحتی نمی توانست دولت را در مقابله با بحران مالی یاری دهد. این مسائل به ویژه پس از بحران مالی آسیا در اواخر دهه ۱۹۹۰ برجسته شد. رهبران جدید کره جنوبی اعتقاد داشتند که برای به دست آوردن تعادل مالی نیاز به ایجاد یک چارچوب میان مدت هزینه است. بنابراین به منظور ایجاد تعادل مالی به شیوه ای معقول دو تلاش عمده در تحقق چارچوب میان مدت هزینه قبل از سال ۲۰۰۳ در کره جنوبی رخ داد. یکی در سال ۱۹۹۷ و دیگری در سال ۲۰۰۱. با این حال این تلاش ها موفقیت آمیز نبود زیرا نتایج پژوهش نشان داد که برای اجرای این مدل اقتصادی، حمایت سیاسی قوی از تصمیم گیرندگان، ایجاد چارچوب پایدار و بازسازی سازمانی اهمیت دارد. با این حال تلاش های اولیه این کشور به عنوان موفقیت جزئی برای اصلاح آینده قابل ارزیابی است. سرانجام متف، به عنوان بخشی از یک بسته اصلاحات در کره جنوبی در سال ۲۰۰۶ به عنوان برنامه مدیریت مالی ملی معرفی شد. هر برنامه مدیریت مالی ملی در کره جنوبی شامل پنج سال می شود؛ یعنی سال جاری و چهار سال دیگر. این یک برنامه غلتان است که هر ساله در آن تجدیدنظر می شود و شامل دو بخش اصلی است: سیاست مالی کلان و سیاست مالی بخش. سیاست مالی کلان شامل پیش بینی هزینه ها، درآمدها و بدهی ها می شود. سیاست مالی بخش سیاست عمده و دستورالعمل و تخصیص منابع مالی در هر بخش را دربر می گیرد. نتایج اجرای متف در کره جنوبی حاکی از این است که دستیابی به برنامه ها و اهداف مالی به طور

فزاینده‌ای محقق شده است. به نحوی که میزان انطباق عملکرد هزینه‌ای وزارتخانه‌ها از ۷۲,۷ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۷۹,۵ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. همچنین اختلاف بین پیش‌بینی‌ها و عملکرد برنامه مالی دولت طی سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۰۶ تنها ۱/۱۶ درصد بوده است. بنابراین برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی تعیین‌شده در برنامه مالی دولت با درصد بالایی محقق شده است (یانوگ چی و پارک، ۲۰۱۳، ۳۱-۲۱).

۴-۲. اجرای متف در ویتنام

ایده استفاده از متف، ابتدا در کشورهایی که از بدهی‌های سنگین دولت رنج می‌بردند، طراحی شده بود. با این حال کشورهای متعددی در سراسر جهان برای کنترل رشد هزینه‌ها اصلاحات قابل توجهی در فرایند برنامه مالی دولت ایجاد کرده و متف را به صورت رسمی و شفاف تصویب کرده‌اند تا سیاست‌های مالی پایدارتر شود. ویتنام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ضعف در جریان سیستم‌های مربوط به برنامه مالی دولت در آن وجود داشت و از اوایل دهه ۱۹۹۰ به اصلاحات اقتصادی دست زده و متف را به صورت تلفیقی در بخش آموزش، بهداشت و درمان، کشاورزی، حمل‌ونقل با تأکید بر انضباط مالی اجرا نمود و هم‌اینک در اثر اجرای این مدل، به عنوان یک اقتصاد نوظهور به سمت توسعه حرکت می‌نماید.

نتایج استفاده از متف در ویتنام نشان داد که این مدل اقتصادی می‌تواند به صورت غیر مستقیم هزینه‌های عمومی را مدیریت نماید، ضعف سیستم برنامه مالی سالانه را مشخص و آن‌ها را اصلاح کند. همچنین متف با بهبود ثبات اقتصاد کلان از طریق نظم و انضباط مالی، تخصیص منابع مالی بین استان‌ها و بین بخش‌ها با اولویت‌بندی مؤثر به برنامه‌های اجتماعی، یک راه حل امیدوارکننده و مؤثر خواهد بود و در نهایت این مدل سبب پاسخگویی شفاف‌تر شده و شهروندان خدمات بهتر و با کیفیت تری دریافت می‌نمایند (هیکی و نگوین، ۲۰۱۲، ۱۰۸).

-
1. Young Choi, J., & Park
 2. Heikki, & Nguyen

۳-۴. تاثیر اجرای متف در کره جنوبی و ویتنام مبتنی بر تحلیل شاخص‌های اقتصادی

با توجه به این که بسیاری از کشورها در دهه ۱۹۹۰ اقدام به اجرای متف کردند، به منظور مقایسه نتایج حاصل از اجرای آن در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی، سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۷ مبتنی بر آمارهای رسمی بانک جهانی به عنوان مبنای مقایسه قرار گرفته و طی جدول زیر شاخص‌های مهم اقتصادی و اجتماعی کشورها ارائه می‌شوند.

شاخص «توسعه انسانی» یک نمایه کامل از حق‌های اقتصادی و اجتماعی است که متشکل از بخش‌هایی همچون حق بر آموزش، سلامت، تأمین اجتماعی، درآمد، نابرابری، پایداری زیست محیطی، جنسیت، جریان مالی و تجارت است که در بیش از ۱۰۰ زیر بخش دسته‌بندی شده و در نظام آماری مقدار آن عددی بین صفر و یک بوده و به روش میانگین همساز و هارمونیک محاسبه و ارائه می‌شود. هر چه این شاخص به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده بهبود وضعیت کشور در متغیرهای موثر بر توسعه انسانی است. از نظر تقسیم‌بندی بانک جهانی، کشورها در سه گروه کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا (مقدار شاخص توسعه انسانی بزرگتر از ۰/۸)، توسعه انسانی متوسط (بین ۰/۸ و ۰/۵) و توسعه انسانی ضعیف (کمتر از ۰/۵) طبقه‌بندی می‌شوند. در مطالعه انجام شده ارقام مربوط به شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد که وضعیت تمام هر دو کشور در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال ۱۹۹۰ بهبود قابل توجهی داشته است. از این رو می‌توان استدلال نمود با اجرای مدل میان مدت هزینه وضعیت شاخص توسعه انسانی بهبود یافته که این امر در شاخص درآمد سرانه، امید به زندگی (با زیر بخش‌هایی مانند سلامت، تأمین اجتماعی و...) و درصد ثبت نام افراد در سه مقطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه و عالی و نرخ باسوادی بزرگسالان نیز قابل ملاحظه و توجه است.

از سوی دیگر پایین بودن نرخ تورم به عنوان شاخص ثبات در اقتصاد کلان نشان‌دهنده یک روند نزولی در کره جنوبی و ویتنام است. به استثنای سال ۲۰۰۸ که اقتصاد جهان با یک بحران مالی شدید مواجه و نرخ‌های تورم افزایشی شد، در

بقیه سال ها روند نزولی بوده است. کشور ویتنام تجربه بسیار موفق‌تری را تجربه نموده است؛ به طوری که نرخ تورم از حدود ۸۲ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۳٫۵ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است. البته هر دو کشور منتخب در سال های پس از ۱۹۹۶ (به استثنای سال ۲۰۰۸) تورمی تک رقمی را تجربه کرده‌اند که نشان از یک ثبات نسبی در وضعیت اقتصاد کلان کشورها دارد. بنابراین اجرای متف توسط بانک جهانی برای این شاخص کلان اقتصادی منجر به کاهش نرخ تورم و کاهش بی‌ثباتی و نااطمینانی بوده است.

به منظور بررسی وضعیت انضباط مالی دولت از شاخص «نسبت بدهی ناخالص دولت به تولید ناخالص داخلی» استفاده شده است. روند کلی شاخص مذکور در دو کشور صعودی بوده است.

جدول آمار مربوط به شاخص‌های کلان اقتصادی در کشورهای مورد بررسی طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۰

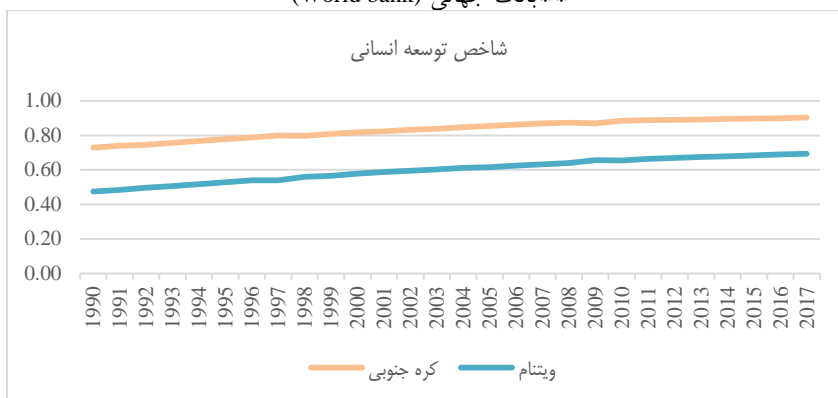
سال	نرخ تورم*		نسبت بدهی ناخالص دولت به GDP**		شاخص توسعه انسانی**	
	کره جنوبی	ویتنام	کره جنوبی	ویتنام	کره جنوبی	ویتنام
۱۹۹۰	۸٫۵۷	۳۶٫۰۳	۱۳٫۳۷	-	۰٫۷۳	۰٫۴۸
۱۹۹۱	۹٫۳۳	۸۱٫۸۲	۱۲٫۴۸	-	۰٫۷۴	۰٫۴۸
۱۹۹۲	۶٫۲۱	۳۷٫۷۱	۱۲٫۲۱	-	۰٫۷۵	۰٫۵۰
۱۹۹۳	۴٫۸۰	۸٫۳۸	۱۱٫۴۱	-	۰٫۷۶	۰٫۵۱
۱۹۹۴	۶٫۲۷	۹٫۴۹	۱۰٫۱۳	-	۰٫۷۷	۰٫۵۲
۱۹۹۵	۴٫۴۸	۱۶٫۹۳	۸٫۹۵	-	۰٫۷۸	۰٫۵۳
۱۹۹۶	۴٫۹۳	۵٫۵۹	۸٫۲۴	-	۰٫۷۹	۰٫۵۴
۱۹۹۷	۴٫۴۴	۳٫۱۰	۱۰٫۲۵	-	۰٫۸۰	۰٫۵۴
۱۹۹۸	۷٫۵۱	۸٫۱۱	۱۴٫۶۷	-	۰٫۸۰	۰٫۵۶
۱۹۹۹	۰٫۸۱	۴٫۱۱	۱۶٫۷۵	-	۰٫۸۱	۰٫۵۷
۲۰۰۰	۲٫۲۶	۱٫۷۷-	۱۷٫۱۱	۳۱٫۴۳	۰٫۸۲	۰٫۵۸
۲۰۰۱	۴٫۰۷	۰٫۳۱-	۱۷٫۷۰	۳۲٫۲۸	۰٫۸۲	۰٫۵۹
۲۰۰۲	۲٫۷۶	۴٫۰۸	۱۷٫۵۵	۳۵٫۱۹	۰٫۸۳	۰٫۶۰
۲۰۰۳	۳٫۵۲	۳٫۳۰	۲۰٫۴۵	۳۷٫۸۸	۰٫۸۴	۰٫۶۰
۲۰۰۴	۳٫۵۹	۷٫۸۹	۲۳٫۲۵	۳۷٫۴۵	۰٫۸۵	۰٫۶۱
۲۰۰۵	۲٫۷۵	۸٫۳۹	۲۶٫۹۶	۳۶٫۵۴	۰٫۸۶	۰٫۶۲
۲۰۰۶	۲٫۲۴	۷٫۵۰	۲۹٫۲۷	۳۸٫۴۱	۰٫۸۶	۰٫۶۲
۲۰۰۷	۲٫۵۴	۸٫۳۵	۲۸٫۶۵	۴۰٫۹۰	۰٫۸۷	۰٫۶۳
۲۰۰۸	۴٫۶۷	۲۳٫۱۲	۲۸٫۱۶	۳۹٫۴۲	۰٫۸۷	۰٫۶۴
۲۰۰۹	۲٫۷۶	۶٫۷۲	۳۱٫۳۸	۴۵٫۱۷	۰٫۸۷	۰٫۶۶
۲۰۱۰	۲٫۹۴	۹٫۲۱	۳۰٫۸۳	۴۸٫۰۸	۰٫۸۸	۰٫۶۵
۲۰۱۱	۴٫۰۳	۱۸٫۶۷	۳۱٫۵۱	۴۵٫۵۶	۰٫۸۹	۰٫۶۶
۲۰۱۲	۲٫۱۹	۹٫۱۰	۳۲٫۲۰	۴۸٫۱۳	۰٫۸۹	۰٫۶۷
۲۰۱۳	۱٫۳۰	۶٫۶۰	۳۵٫۳۹	۵۱٫۶۷	۰٫۸۹	۰٫۶۸

شاخص توسعه انسانی**		نسبت بدهی ناخالص دولت به GDP*		نرخ تورم*		سال
ویتنام	کره جنوبی	ویتنام	کره جنوبی	ویتنام	کره جنوبی	
۰.۶۸	۰.۹۰	۵۴,۷۲	۳۷,۳۱	۴,۰۹	۱,۲۸	۲۰۱۴
۰.۶۸	۰.۹۰	۵۷,۱۰	۳۹,۵۳	۰.۶۳	۰,۷۱	۲۰۱۵
۰.۶۹	۰.۹۰	۵۹,۶۶	۳۹,۸۹	۲,۶۷	۰,۹۷	۲۰۱۶
۰.۶۹	۰.۹۰	۵۸,۲۲	۳۹,۷۶	۳,۵۲	۱,۹۴	۲۰۱۷

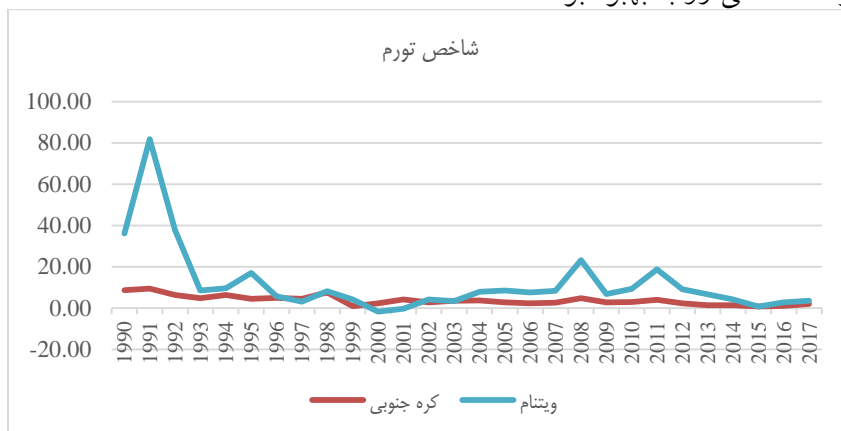
مأخذ:

* صندوق بین‌المللی پول (IMF)

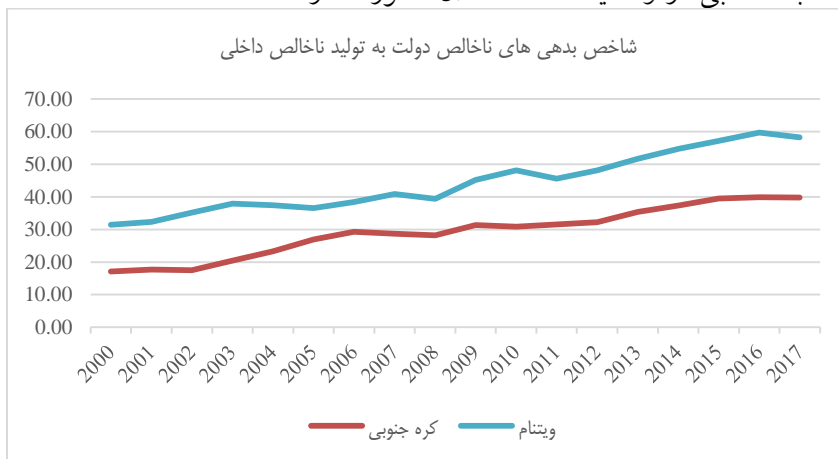
** بانک جهانی (World bank)



نمودار مربوط به شاخص توسعه انسانی بیانگر این است که در بین کشورهای مورد بررسی طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۰، این روند صعودی بوده است. بنابراین می‌توان استدلال نمود با اجرای برنامه میان مدت هزینه توسط بانک جهانی و علی‌رغم وقوع بحران مالی جهانی طی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، روند شاخص توسعه انسانی رو به بهبود بوده است.



پایین بودن نرخ تورم به عنوان شاخص ثبات در اقتصاد کلان نشان دهنده یک روند نزولی در کره جنوبی و ویتنام است. هر دو کشور منتخب در سال های پس از ۱۹۹۶ (به استثنای سال ۲۰۰۸) تورمی تک رقمی را تجربه کرده اند که نشان از یک ثبات نسبی در وضعیت اقتصاد کلان کشورها دارد.



بر اساس آمارهای در دسترس، نمودار مربوط به نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی بیانگر این است که در بین کشورهای مورد بررسی طی سال های ۲۰۱۷-۲۰۰۰، شاخص مذکور روند افزایشی داشته است.

۴-۴. رهیافتی برای اجرای متف در ایران

حق های اقتصادی و اجتماعی امروزه بخش مهمی از حقوق قانونی بشری و شهروندی را در سطح ملی و بین المللی تشکیل می دهند. این حقوق در قوانین اساسی بیشتر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران^(۳)، وارد شده و دولت ها را در برابر این حق ها مکلف کرده است. ویژگی های هزینه ای و وابسته به امکانات، تدریجی و برنامه ای بودن روی دیگری از ایجابی بودن این حق ها است زیرا تعهدات ایجابی نیازمند انجام فعل است. به همین دلیل نیز دولت ها به موجب میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موظف به تحقق کامل حقوق شناخته شده در میثاق از طریق همه ی ابزارهای مناسب از جمله اقدامات تقنینی شده اند.

تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی به طور مستقیم با تحقق اهداف اقتصادی

در ارتباط بوده و از منظر اقتصادی زیرساخت‌هایی همچون سیستم آب و فاضلاب، سیستم نیروگاه‌های تولید، انتقال و توزیع برق، سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی مناسب با محیط، سیستم آموزش، شبکه‌های بهداشت، خدمات اضطراری نظیر اورژانس‌ها، ایجاد جاده‌های ارتباطی، حمل و نقل ریلی، زمینی، هوایی، دریایی، سیستم دفاعی، خدمات مراقبت‌های سلامتی اجتماع و تعذیه صحیح، خدمات اجتماعی نظیر استراتژی توجه به سالمندان، کودکان، افراد دارای معلولیت جسمی و ذهنی، بیماران صعب‌العلاج، افرادی با مشکلات پزشکی دائمی، بیماران روانی، قربانیان بلایای طبیعی و مردمی که در مناطق مستعد فاجعه زندگی می‌کنند و بسیاری از عناوین دیگر که مصادیق حق‌های اقتصادی و اجتماعی هستند، نیازمند برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی هستند که از طریق مکانیزم برنامه مالی دولت محقق می‌شود.

اما برنامه مالی دولت با کدام روش؟ روشی خردگرا و مبتنی بر معقولیت؟ اصولاً چگونه می‌توان سه هدف اصلی مدیریت هزینه‌های عمومی (انضباط مالی، تخصیص راهبردی منابع و کارایی عملیاتی) را در نظام تدوین برنامه مالی دولت در ایران عملیاتی نمود؟

این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که تقویت اقتصاد مستقل کشور از طریق اتخاذ مناسبات مدیریتی خردمندانه و پرهیز از بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن در سرفصل اقتصاد بیانیه گام دوم انقلاب مورد تاکید واقع شده است. متف چارچوبی مبتنی بر شیوه خردگرا در تخصیص منابع عمومی است که به طور خاص برای مرتبط ساختن برنامه‌ریزی میان مدت با برنامه مالی سالانه طراحی شده است. نگاهی به تجربیات کشورها در اجرای متف بیانگر این واقعیت است که دارا بودن نگرش میان مدت در برنامه مالی دولت ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین، این موضوع که متف قابلیت اجرا در اقتصاد ایران را دارد یا خیر، می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد سیاستی مطرح باشد:

هنگامی که بودجه یک ساله در دست تدوین است، در مورد بخش اعظم هزینه‌ها قبلاً تصمیم گرفته شده است و بخشی از هزینه‌ها نیز عملاً تعهد شده‌اند.

مثلاً حقوق کارکنان دائمی دولت، مقرری قابل پرداخت به بازنشستگان و مقرری بگیران دولت، اقساط دیون خارجی که سر رسید آن ها در سال آتی فرا می‌رسد و نظایر این ها، همه هزینه هایی هستند که در کوتاه مدت تغییری نمی کنند و در طول یک سال قطعی اند. سایر هزینه ها تعدیل شدنی هستند و فقط می توان اندکی آن ها را کاهش یا افزایش داد. حاشیه تغییرات هزینه های تعدیل شدنی بودجه هم بیش از ۵ درصد کل هزینه ها نمی شود. این بدان معناست که هرگونه تغییر واقعی در اولویت های هزینه ها، فقط در صورتی میسر و موفقیت آمیز خواهد بود که در دوره زمانی چند ساله صورت پذیرد. مثلاً دولت ممکن است بخواهد رویه ارائه خدمات رفاهی رایگان به جامعه را از حالت عام و فراگیر به وضعیت هدفمند تبدیل کند، تا این خدمات فقط به نیازمندترین اقشار جامعه عرضه شود. با توجه به تبعات مالی عظیمی که چنین تصمیمی می تواند به دنبال داشته باشد، قطعاً دولت نمی تواند آن را در چارچوب بودجه یک سال به اجرا بگذارد و بدیهی است که این کار باید طی چند سال و به تدریج انجام شود. یکی از پیامدهای برنامه مالی دولت مقید سالیانه در نظر گرفتن سرمایه گذاری های عمومی موثر در رشد اقتصادی به عنوان هزینه اضافی است که فقط زمانی برای آن سهمی در نظر گرفته می شود که سایر هزینه های جاری تامین شده باشند (شیائوکامپو و توماس، ۱۹۹۹، ۱۷۷-۱۷۸).

در حال حاضر برنامه پنج ساله توسعه به عنوان یک مرجع ثابت در توجیه و ارائه پیش بینی های بودجه استفاده می شود و بودجه سالانه در ایران در چارچوب و هدف های برنامه های پنج ساله توسعه تهیه می شود. اگرچه بایست بودجه سالانه برشی از برنامه پنج ساله توسعه باشد، اما بدلیل فقدان چارچوب پیونددهنده بین سیاستگذاری برنامه ریزی و برنامه مالی دولت، ارتباط کمی و کیفی فی مابین بودجه سالانه و برنامه پنج ساله توسعه برقرار نیست. همچنین برنامه پنج ساله توسعه شامل اهداف استراتژیک بخش ها، برنامه های اولویت دار و سیاست های لازم برای دستیابی به این اهداف وجود ندارد. به طور مثال در مورد بخش سلامت معلوم نیست که

شاخص‌های سلامت جمعیت تحت پوشش چیست؟ و چه سیاست‌ها، برنامه‌ها و منابع مالی برای دستیابی به شاخص سلامت استاندارد پیش‌بینی شده است؟ به نظر می‌توان گفت لزوم توجه به سه هدف اصلی مدیریت هزینه‌های عمومی (انضباط مالی، تخصیص راهبردی منابع و کارایی عملیاتی) مستلزم تعیین چشم‌انداز میان مدت در برنامه مالی دولت به منظور ایجاد پیوندی منطقی میان سیاست‌گذاری و برنامه مالی دولت است. ایران با داشتن حدود ۸۰ سال تجربه برنامه‌ریزی توانایی تهیه و اجرای مدل چارچوب میان مدت هزینه را دارد. اما این مهم در ابتدا منوط به قانون‌گذاری در جهت تنظیم برنامه توسعه به صورت چهار ساله به همراه تعیین اهداف استراتژیک و سیاست‌ها در حوزه بخشی است. سپس می‌بایست اهداف برنامه‌ها و احکام برنامه مالی دولت را مبتنی بر اهداف استراتژیک در چارچوب دو سالانه تنظیم نمود تا اولاً با وجود تحولات مؤثر بر میزان درآمد کشور امکان پیش‌بینی و برآورد منابع مالی ممکن‌الوصول دقیق‌تر باشد و ثانیاً چارچوب میان مدت هزینه با دوره زمامداری دولت یعنی همان چهار سال هماهنگ باشد تا امکان ارزیابی عملکرد دولت در پایان دوره به نحو مشخصی ممکن باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد سیاستی

تحول شگرف حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بشر در قرن بیستم به ویژه با به رسمیت شناخته شدن حق دادخواهی از جهت تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی نزد مراجع ملی و بین‌المللی مبین عصر جدیدی در رویکرد حقوق بین‌الملل به تکالیف دولت‌ها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی است. واقعیت جهان معاصر دلالت بر آن دارد که امروزه در بسیاری از کشورها شهروندان با پدیده فقر روبرو هستند. فقر از یک طرف به معنای گرسنه بودن، فقدان مسکن و پوشاک مناسب، بیماری و عدم مراقبت، بی‌سواد و فقدان سیستم آموزشی است و از سویی دیگر، مردم فقیر در شرایط نامساعد خارج از کنترل شان به سربرده و آسیب پذیرند. این افراد به طور دائم یا ادواری از منابع، توانمندی‌ها و امکان بهره‌مندی از استاندارد لازم زندگی و دیگر حق‌های اقتصادی، اجتماعی محرومند. برای هیچ دولتی، صرف‌نظر از این که تا چه حد فقیر باشد، حقی برای

محروم کردن شهروندان خود از تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی در نتیجه سوءمدیریت و اقتصاد نامعقول وجود ندارد، زیرا حق های اقتصادی و اجتماعی بر پایه قواعد لازم الاجرای حقوق بین الملل به ویژه مفاد منشور ملل متحد از مقولاتی هستند که دولت ها متعهد به تضمین آنها هستند.

در این مقاله به این حقیقت رهنمون شدیم که متف از منظر حقوق بین الملل در قالب حقوق نرم قابل ارزیابی است، لیکن دولت ها بر اساس یک نظم هنجاری ناشی از حقوق بشر غایت گرا بدان ملتزم هستند. زیرا فقر و سایر اشکال محرومیت از حق های اقتصادی و اجتماعی مغایر کرامت انسانی است و راه گریز از آن در گام اول اتخاذ سیاست های اقتصادی سالم و شفاف، سرمایه گذاری های عمومی مناسب و توسعه همه جانبه به ویژه در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت، سلامت، زیرساخت ها، توسعه بخش کشاورزی، ایجاد فرصت های بیشتر برای کار آبرومند، مدیریت درست امور اداری، حمایت از حقوق بنیادین بشری و ... که همگی در گرو مدیریت صحیح منابع عمومی در اختیار دولت ها است.

در این خصوص، متف بین دو مؤلفه سیاست گذاری و برنامه ریزی با «برنامه مالی دولت» یک چارچوب ارتباط دهنده ایجاد می نماید. این درحالی است که غالب مدل های ارائه شده در رابطه با برنامه مالی دولت فاقد این سیستم ارتباط دهنده هستند. مضاف به این که متف بر تنظیم برنامه مالی دولت در یک چارچوب مالی کلان چندساله متمرکز است. همچنین نتایج پیاده سازی متف در کشورهای منتخب آسیایی با رویکرد مطالعه در دو طیف توسعه یافته و در حال توسعه حاکی از این است که اولاً این مدل سبب بهبود کارایی تخصیص منابع، پیوند برنامه ریزی های اقتصادی اجتماعی با برنامه مالی دولت است و ثانیاً اجرای آن منجر به ثبات اقتصاد کلان، ارتقاء شاخص توسعه انسانی و انضباط مالی خواهد شد. بنابراین می توان استدلال نمود که این مدل بهترین و اثرگذارترین سازکار حرکت اقتصادی دولت ها در مسیر تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی است و به نظر می رسد ایران نیز در صورت بهره برداری از آن می تواند به نحو جامع تری تعهدات خود را در رابطه با تأمین و تحقق حق های اقتصادی و اجتماعی در قبال شهروندان ایفاء نماید.

- Annan, Kofi A. (2005), "In larger freedom: towards development, security and human rights for all", **Report of the Secretary-General**.
- Simma B. (ed.), (1994), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, Oxford University Press.
- Elias, T.O. (1972), **Modern Sources of international law**, intransnational law in changing society, Colombia university press.
- Ghosh, J. (2005), "The Right to Development and International Economic Regimes", in Sengupta, Arjun, Archana Negi, and Moushumi Basu (eds.), **Reflections on the Right to Development**, New Delhi ; Sage Publications.
- Grigoli, F. (2011), **Essays on Development Economics**, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy of the University of Insubria.
- Heikki, A. L., & Nguyen, T. N. (2012), *The Application of Medium-Term Expenditure Framework for Budgeting in Sonla Province of Vietnam*, Master's thesis, Hanoi, Vietnam.
- Holmes, M., & Evans, A. (2003), *A Review of Experience in Implementing Medium-Term Expenditure Frameworks in a PRSP Context: A Synthesis of Eight Country Studies*, Overseas Development Institute, London, A study commissioned by the Africa Policy Department of the Department for International Development prepared by PAMNET <https://www.africaportal.org>
- Report of the Secretary-General on globalization and its impact on the Full enjoyment of all human rights, 2000, retrieved on 24 january 2019, <http://www.un.org/documents/ga/docs/55/a55342.pdf>
- PAMNET, **Review of Public Expenditure Management in Sub-Saharan Africa**, March (2007), available at: <https://www.africaportal.org>
- Schermers, H.G. (1983), *International organization as members of other international organization*, berlin, springer verlage.
- Schermers, H.G., & Blocker, N. (2001), **Intentional institutional law**, 3rd. ed. rev., The Hague, nijhoff.
- Schick, Alan (1998), *A Contemporary Approach to Public Expenditure Management*, World Bank Institute.
- Schrijver, Nico J., & Friedl Weiss. (2004), **International law and sustainable development: principles and practice**, Vol. 51, Martinus Nijhoff Publishers.

- Sengupta, Arjun, Archana Negi, & Moushumi, Basu (2005), *Reflections on the Right to Development*. SAGE Publications India Pvt Ltd.
- Stokke, Hugo and Arne Tostensen (eds.) (1998), *Human rights in development*, Global perspectives and local issues, (Human Rights in Developing Countries Yearbook, Vol 5), Martinus Nijhoff Publishers, 1999.
- Reforming the Public Expenditure Management System: Medium-Term Expenditure Framework, Performance Management, and Fiscal Transparency, (2004), The World Bank and Korea Development Institute Conference Proceedings, <http://documents.worldbank.org>.
- United Nations Declaration on the Right to Development, Retrived on 2 january 2019 from:<http://www.ipu.org/splz-e/unga14/rtd.pdf>
- World Bank (2013), *Beyond the Annual Budget: Global Experience with Medium-Term Expenditure Frameworks*, Washington, DC., World Bank.
- World Bank, (1998), *Public Expenditure Management Handbook*, Washington, Dc., World Bank.
- World Commission on Environment and Development, *Our Common Future*, Oxford, Oxford University Press, 1987.
- Young Choi, J., & Park, N. (2013), *Achieving Medium Term Expenditure Framework Reform, A Case Study of Korea*, Produced by the Research Support Team, at: <http://econ.worldbank.org>.

سایت‌ها

www.ila-hq.org

WWW.MIGA.ORG

www.worldbank.org

www.africaportal.org